

بسم الله الرحمن الرحيم



سال سرنوشت

حاکمیت قانون

چهارچوب فقه

صورت خاتمه خواهد پذیرفت و این برداشت با قرائن و بیان مطالب مختلفی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، و نظامی تقرب می‌شد و حتی در زبان و بیان افرادی، تعبیر پایان جنگ به کار برده شد.!!

ولی روشن است که مشخص شدن سرنوشت، غیر از پایان جنگ است آنهم پایانی که مطابق خواست امت مسلمان ایران نبوده و به عنوان تحمیل خواسته‌های ابرقدرتها و اذتاب پلید آنها باشد که ما از آن به «پایان جنگ با صلح تحمیلی» نام می‌بریم که به مراتب خطرناک تر از «جنگ تحمیلی» است.

مقامات عالیه کشور، سال ۶۵ را سال نوشت خواندند در حدی که در بسیاری از بحثها و سخنرانیهایی که مربوط به جبهه و جنگ و اعزام نیرو و حتی عملیات نظامی ایراد می‌گشت، از کلمه «سرنوشت ساز» استفاده می‌شد، برای کسانی در بدو امر این تصویر پیش آمد که در این سال جنگ به هر



دنیای استکبار معتقد بود این جنگ برنده‌ای نخواهد داشت و لازم می‌دانست ضمن حفظ تعادل قوای نظامی و پیش‌گیری از هر نوع برتری، در راه تحقق مذاکره و پایان جنگ از طریق فشارهای گوناگون سیاسی و بین‌المللی، هر نوع کوششی را انجام دهد که آخرین شکل آن تقویت نیروی هوایی عراق و چراغ سبز نشان دادن برای بمباران شهرهای مسکونی ما بود، که برای بار دوم به بدترین شکل آن در تاریخ جنگها عمل شد. روز و شب به هنگام و نابه‌هنگام بر سر مردم خواب و بیدار، زن و مرد و کودک، بیمار و سالم در خانه و مدرسه و بیمارستان و مسجد و کوچه و بازار، بمب‌های مختلف فروریخت و آن همه خرابی و کشتار به بار آورد که شاید مردم را در فشار گذارده تا روی حکومت برای ختم جنگ فشار آورند.

اما مقاومت مردم و حضور بیش از پیش آنها در جبهه‌ها و شرکت در راهپیمائی ۲۲ بهمن، بطور فوق‌العاده، با تهدید و حتی حمله مستقیم هوایی و زدن تعدادی هواپیماهای دشمن به خصوص میگ ۲۵ در ارتفاع ۶۵ هزار پائی در اصفهان و... این طرح نیز شکست خورد و بی‌نتیجه ماند.

با شروع عملیات کربلای ۵ و ۶ و ۷ بخصوص پس از شکسته شدن استحکاماتی که عراق در طول سالها با نظر کارشناسان نظامی شرق و غرب احداث کرده بود که این نقطه را غیرقابل نفوذ می‌دانستند. (درست مثل عملیاتی که در راه آزادسازی «فاو» انجام شد در حالی که عبور از رود رود و آن همه موانع را غیرممکن تلقی می‌کردند) باز هم يك غیرممکن - از نظر کارشناسان نظامی متعارف در دنیا - ممکن شد و بالاخره عملیات کربلای ۷ که در منطقه کوهستانی پوشیده از برف و سرمای تا ۱۵ درجه زیر صفر، این فکر را در کاخ نشینان شرق و غرب به وجود آورد که جمهوری اسلامی ایران با داشتن نیروهای خاص انسانی که با اعتقاد و ایمانی خاص، در حد غیرقابل توصیفی می‌جنگد و با تسلط بر تاکتیکهای نظامی و تقویت پدافند و بتدریج مسلح کردن شهرها، نه تنها شکست نخورده بلکه دیریا زود برنده این جنگ تحمیلی نیز خواهد بود.

اعتراف دنیای استکبار که برنده جنگ ایران است و اظهار نگرانیها نسبت به منطقه پس از سقوط صدام و به خطر افتادن منابع



آنان و تلاشهای جدیدی برای پیش گیری از پیروزی ایران در شرائطی که ززمندگان اسلام شهر بصره دومین شهر عراق را در محاصره دارند، «سرنوشت جنگ» را مشخص نمود و دنیا پذیرفت که این جنگ برنده دارد و این برنده هم، جز ایران اسلامی نخواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران يك برهان و استدلال دارد که از اول تا حال گفته و می گوید: «متجاوز باید مجازات شود» و آن که مورد تجاوز قرار گرفته به حکم مذهب، عقل، وجدان و شرافت انسانی، حقوق و سازمانهای بین المللی، حق دفاع از خود را دارد بخصوص در برابر دشمنی که تمام مقررات و مصوبات بین المللی را نقض کرده است.

اگر دنیا همین امروز بپذیرد که متجاوز باید شناخته و محکوم و مجازات شود همین امروز نیز جنگ پایان می پذیرد.

پس می توان گفت: دنیا پذیرفته که روند این جنگ به نفع ایران و پیروزی آن پیش می رود و این جنگ برنده دارد و آن جمهوری اسلامی است و بدین ترتیب در سال ۱۳۶۵، سرنوشت جنگ مشخص شد.<sup>۱</sup>

### حاکمیت قانون

دوازدهم فروردین سالگرد همه پرسی برای جمهوری اسلامی است که جایگاه خود را به عنوان يك نظام به خصوص با توجه به قانون اساسی و نهاد پرارزش مقام شورای محترم نگهبان روشن ساخته است.

سرنوشت يك نظام و حکومت به خصوص حکومتی چون جمهوری اسلامی ایران که بر احکام و مقدمات اسلامی و ایمان و اعتقاد مردم تکیه دارد، به حضور

۱ - آقای دولاتف سفیر شوروی در کویت که چند سال قبل در کشورهای عربی از جمله مصر، لبنان، یمن جنوبی، سوریه خلعت کرده و اکنون چهار سال است که به عنوان سفیر شوروی در کویت بسر می برد، احوالات اعراب را به خوبی می شناسد و نظر شخصی خود را - در یکی از مهمانیها - چنین اظهار می دارد: اعراب از زور می ترسند و از آرامش سوء استفاده می کنند لذا باید اعراب را همیشه در حال معین خود نگه داشت، صدام در منطقه، نان قلندری خود را می خورد و در تمام منطقه از وی حساب می برند در صورتی که در باطن برای نابودی او دعا می کنند، بدون تردید صدام تا هست اعراب را خواهد دوشید.



بیشتر مردم و حاکمیت بیشتر قوانین بستگی دارد.

بحمدالله حضور مردم در تمام صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی و... در حد اعجاب‌انگیزی دیده می‌شود که گاهی حتی مسئولان و مدیران نظام هم تصور نمی‌کنند، اما آنجا که لازم باشد و اعلام شود در عمل مشخص می‌شود.

حضور لشکریان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جمعیه‌های صدهزار نفری و اعزام‌های فوق‌العاده بخصوص از شهرهایی که زیر فشار مبارزان بودند و حضور در راهپیمائی ۲۲ بهمن، تکیه‌گاه نظام را روشن و جواب عملی دیگران را داده است.

چنانچه خدمات قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) و قوه مجریه (دولت) در حاکمیت قانون و احکام اسلامی نقش خود را ایفاء و نظام را نبات بیشتری بخشیده است، مجلس شورای اسلامی از بیست و چهار موردی که قانون اساسی تعیین تکلیف آن را به عهده قانون عادی گذارده، تا کنون تکلیف نوزده مورد را مشخص نموده که در بسیاری از این موارد به

شکل يك جزوه قانونی مشتمل بر مواد و تبصره‌های گوناگونی است.

چنانچه مسأله قوانین و مصوبات مجلس که در ارتباط با حل و فصل امور جاری دستگاه‌های کشور، سازمانها، موسسات و وزارتخانه‌ها نقش مؤثری داشته‌اند از آمار و ارقام بالائی برخوردار است و در تثبیت نظام تأثیر بسزائی داشته.

### چهارچوب فقه

راز اصلی بقاء و حاکمیت دین خدا و اسلام عزیز، اتکاء به وحی آسمانی است که دستورات آن از خداوند بزرگ و مبداء علم مطلق که خطاء و اشتباه در آن راه ندارد، سرچشمه گرفته و اطمینان وجدان و عقل انسانها را به خود جلب کرده است.

اگر شرایط مختلف زمانی و مکانی و سلیقه‌های گوناگون افراد بتواند در سرنوشت دین، اثر چشمگیری داشته باشد دیگر دینی نبوده و آنچه که بر اساس اختلاف شرایط و دگرگونیها متغیر می‌شود و حلال و حرامی که به راحتی جایجا شده و مطابق میل و سلیقه و کششهای نفسانی این و آن و قدرتهای حاکم و فعل و انفعالیهای اجتماعی و سیاسی رنگ



عوض کند، تکیه گاه مطمئنی نبوده و نمی‌تواند اطمینان وجدان و عقل انسانها را جلب کند.

پیامبر اسلام که خود تنها از طریق وحی سخن می‌گفت (مَا يَنْطَلِقُ مِنْ هَاهُنَا إِلَّا وَحْيٌ يُوْحَىٰ) و ائمه معصومین (صلوة الله و سلامه عليهم اجمعين) و نواب امام زمان علیه السلام در زمان غیبت کبری نگهبان این مرزها بوده و هستند که در فرازونشیبها و گوناگونی شرائط، اوامر و نواهی الهی، دستخوش این کوشها نگردد.

مقصود از «فقه سنتی» و لزوم پاسداری از آن، جز این نیست که در نظام اسلامی همواره شرائط و دگرگونیها باید خود را به اسلام و قرآن و احکام آن تطبیق داده و در چهارچوبه‌های آن قرار گیرند نه آنکه اسلام و قرآن و احکام آن، تابع محیط شده و به شکل ظروف و شرائط، هر روز برنگی درآید.

روشن است که این مطلب بدان معنی نیست: که اگر در صدر اسلام دستگاها و وسائل و ابزارهای مدرن امروزی نبوده و زندگی شکل ساده‌ای داشته و مسائل جدیدی که به تبع زندگی امروزی وجود می‌آید، اسلام و فقه سنتی می‌گوید از اینها

نباید استفاده کرد و برای حل مسائل آن، راهی نداشته باشد بلکه درست به عکس، اسلام دستور داده که از امکانات موجود در نظام آفرینش حداکثر استفاده را باید نمود اما در چهارچوبه اصول و قواعد و احکام و اوامر و نواهی که مقصود از «بیوئائی فقه» همین است که ضمن حفظ همه اصول ثابت و کلی اسلامی، پاسخ مسائل جدید و مشحذت گرفته شود و با استفاده از ادله اجتهادیه و اصول عملیه تکلیف معین گردد و تغییر در فتوی در بعضی از فروع جزئی با استفاده از ابزارهای مشخص اجتهاد و بکارگیری ادله اجتهادیه و اصول عملی، خود يك امتیاز دینی در همان اصول کلی ثابت است.

حالا ملاحظه می‌فرمائید که وقتی امام می‌فرمایند: (آنچه اسلام را تاکنون حفظ کرده فقه سنتی او است و اگر این فقه از این حالت سنتی خودش خارج شد از اسلام دیگر محتوائی نمی‌ماند). با آنکه خود حضرت ایشان در تحریر الوسيله مسائل مستحذت دنیای امروز را از بیمه و بانك گرفته تا پیوند اعضاء و مسافرنهای فضائی همه را مورد بحث قرار داده و بر اساس همان بقیه در صفحه ۶۳